یادداشت‌های یک معتاد فوتبال – ۹

امیر صدری

یکی به من بگوید آنجا چه خبر است

مشکل این جام چیست؟ چرا احساس می‌کنیم بازی‌ها کم‌هیجان است و آن احساس لذت معمول جام‌های جهانی سراغ ما نمی‌آید؟ دلایل زیادی را می‌شود شمرد که برخی از آنها را قبلاً فهرست کرده‌ام (نبود شماری از ستاره‌ها، خسته بودن بازیکنان، زمان کم برای هماهنگ شدن تیم‌ها و...) و البته فاکتور مهمی که به آن اشاره نکرده بودم یعنی فاکتور «خارج از اروپا بودن» - جام‌های جهانی که به میزبانی اروپایی‌ها برگزار شده معمولاً از لحاظ کیفیت برتر از جام‌های جهانی بوده که در امریکا (به خصوص امریکای شمالی و مرکزی)، آسیا و حالا در آفریقا برگزار شده. شاید به این دلیل که اکثریت قریب به یقین بازیکنان مطرح فوتبال جهان در اروپا بازی می‌کنند و اکثریت قریب به یقین طول سال را در اروپا می‌گذرانند و به شرایط آب و هوا و ارتفاع و نوع چمن‌ها آشنا هستند و در واقع در جام‌های جهانی اروپایی در خانه اول، یا حداکثر خانه دوم خود بازی می‌کنند اما در جام‌های جهانی غیراروپایی آنها باید در مکان‌هایی بیگانه و متفاوت بازی کنند. اما گذشته از این فاکتورها، فکر می‌کنم مشکل جام فعلی این است که این جام به «جام متوسط‌ها» بدل شده است در واقع این جام هیچ تیم ضعیف یا بد مطلق ندارد و استرالیا که شاید ضعیف‌ترین تیم جام تا اینجای کار بوده است هم تیم بدی نیست و کامرون و نیجریه‌ای هم که بدون امتیاز مانده‌اند واقعاً تیم‌هایی نیستند که بتوانید آنها را ضعیف ارزیابی کنید. در واقع همه این تیم‌ها تیم‌هایی متوسط هستند - تمام نماینده‌های آسیا و آفریقا و شماری از تیم‌های اروپایی و امریکای جنوبی و اقیانوسیه – و بسیاری از تیم‌های مدعی سنتی هم تا اینجای کار تیم‌های بسیار متوسطی نشان داده‌اند (فرانسه، ایتالیا، انگلستان و حتی هلند و...). تا یکشنبه‌شب تنها آرژانتین، آلمان و برزیل تیم‌هایی فراتر از متوسط نشان داده‌اند. فکر می‌کنید بازی متوسط‌ها مقابل هم چقدر می‌تواند لحظات دراماتیک رقم بزند؟ به خصوص در روزگاری که همه تیم‌ها از لحاظ جسمانی و تاکتیکی به سطحی رسیده‌اند که می‌توانند دفاع چندلایه‌ای بسازند که به ندرت اشتباه کند؟ در روزگاری که توان بدنی به همه تیم‌ها اجازه می‌دهد که با تمام نفرات، حتی نفراتی که لحظاتی قبل به سمت دروازه حریف حمله کرده‌اند، در زمین خودی تجمع کنند، تیم‌ها یا باید از لحاظ تاکتیکی فوق‌العاده باشند یا دارای فوق‌ستاره‌هایی بسیار تکنیکی باشند تا بتوانند لحظات زیبا و جذاب را رقم بزنند، اما تا اینجای کار فقط اسپانیا و تا حدودی آلمان دارای توان ارائه بازی منظم تاکتیکی بدون اشتباه و برزیل و آرژانتین دارای قابلیت استفاده از توان انفرادی فوق‌ستاره‌های خود – حتی برای لحظاتی کوتاه در جریان بازی – نشان داده‌اند. طبیعی است کمبود فوق ستاره‌ها در تیم‌های مدعی یا کم بودن شمار بازیکنان خیلی خوب در دیگر تیم‌ها، یکی از دلایلی است که باعث می‌شود فقدان حس «قدرت» در این جام به چشم بیاید و برای همین هم کار تیم‌های متوسط جام خیلی به چشم نخواهد آمد، در واقع وقتی شمار غول‌ها کم باشد خب شمار غول‌کش‌ها هم کم خواهد بود. (در فوتبال باشگاهی امروز جهان بارسلونا تیمی است با چند فوق‌ستاره اما متکی بر یک بازی گروهی و کاملاً تاکتیکی و براساس برنامه و رئال‌مادرید هم‌تیمی است با چند فوق‌ستاره و بیشتر متکی بر حرکات انفرادی یا حرکات ترکیبی دو یا سه نفره و بازی احساسی و بازی هر دو تیم، تماشای بازی آنها، در مقابل اکثر حریفان لذت‌بخش است، اکثر بازی‌های این دو تیم مقابل حریفان خود و رقابت هفته به هفته‌ای که با هم دارند، هیجان و درام، قهرمان و ضدقهرمان، ماهیت جمعی و ماهیت فردی و ده‌ها نکته دیگر را در درون خود دارد. این چیزی است که فعلاً جام جهانی آفریقای جنوبی آن را کم دارد.) در واقع شاید عادت به تماشای بازی‌های باشگاهی هم تماشاگران را بد عادت کرده است چرا که این جام هیچ تیمی در سطح بارسلونا، رئال‌مادرید، اینترمیلان، چلسی و بایرن‌مونیخ نداشته. شاید مقایسه تیم‌های ملی با تیم‌های باشگاهی کار نامناسبی به نظر برسد، اما در واقع این مثال زدن است، شما لیگ اسپانیا را با ۳۲ تیم که ۲۷، ۲۸ تیم آن در سطح تیم‌های سویا و والنسیا باشند و سه چهار تیم هم در سطح رئال‌مادرید و بارسلونای نزول‌کرده فرض کنید، فکر می‌کنید آن وقت در لالیگا از هیجان، اضطراب، تپش قلب، رقابت، غول‌کشی و... خبری بود؟ یک نکته: برزیل سه بر یک ساحل عاج را می‌برد، اما آیا طلایی‌ها واقعاً استحقاق پیروزی، آن هم با این فاصله را داشتند؟ واقعاً فاصله دو تیم دو گل بود؟ اگر داور بازی آن اشتباه مهلک را مرتکب نمی‌شد و دوبار هندبال بازی کردن مهاجم محبوب من را می‌دید، شاید ساحل عاج می‌توانست بازی را به مساوی بکشاند. شاید اگر مردان سبز و نارنجی اسیر جنگ روانی برزیلی‌ها نمی‌شدند هم می‌توانستند حداقل امتیاز را از این بازی بگیرند. فرق آنها با برزیل فقط در یک واژه بود؛ «حرفه‌ای» بودن یا نبودن. اعتقاد دارم برزیل نه از لحاظ تکنیکی و نه از لحاظ تاکتیکی برتری محسوسی بر فیل‌ها نداشت، اما در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز بازی، یعنی در ثانیه‌ها و صدم ثانیه‌ها، حرفه‌ای بودن (که به همراه آن سرعت عمل، تجربه، خونسردی، دقت، کنترل استرس و... می‌آید) به کمک آنها آمد. ساحل عاج شایسته‌ترین تیم برای کسب عنوان «کوچکی که بزرگی می‌کند» است. حیف است این تیم حذف شود. «بوکسورها» اگر در هر گروه دیگری بودند راحت به دور بعد صعود می‌کردند. یک نکته دیگر: نیوزیلند یعنی چه؟ اسم این کشور را نیوزیلند، نیوزلند، نیوزلاند و زلاندنو نوشته‌اند. به هر حال این اسم یعنی چه؟ شاید اگر معنی دقیق این اسم را بفهمم، بتوانم از فوتبال این کشور سر دربیاورم. آنها فعلاً با دفاعی که از سیستم کاتناچیو ایتالیایی اقتباس شده (سیستم دهه‌های ۵۰ و ۶۰) و حمله‌ای که از سیستم کلاسیک انگلیسی الهام می‌گیرد (سیستم دهه‌های ۶۰ و ۷۰) و با بازیکنانی که به بازیکنان راگبی و بسکتبال می‌مانند، توانسته‌اند تیم‌های ایتالیا و اسلواکی را متوقف کنند. یکی به من بگوید در این جام چه خبر است؟

طنز

امیرقباد فرهی

جام ۳۳ تیمه

آدم از اونجا بیشتر می‌سوزه که ببینه عموجان دیپورت که آنقدر گاف داده و سوتی‌های جور واجور دست ما داره که جرات اظهارنظر در هیچ موردی رو نداره، سالار جان رو قلمدوش کرده داره تو محل می‌گردونه. واقعاً یه پالون کم داشت این عموجان دیپورت ما که با رنگ‌های گل‌گلی برازنده این رفتار و سکناتش باشه. تماشای صحنه خنده سالار که با اون هیکل مثل ملخش، رو دوش تنها مرد فرنگ‌رفته و دست از پا درازتر برگشته خاندان ما انگاری داشت پرواز می‌کرد، درست مثل نیش ماری بود که تو چشم آدم فرو رفته باشه. کاش اون کشتی لعنتی که آقا رو توش جاداده بودن تا به اروپا صادر کنن، غرق شده بود تا اون یه ذره آبرویی هم که واسه ما مونده بود اینجور به حراج گذاشته نمی‌شد. منظره عجیب و باورنکردنی‌ای بود. آنقدر همه محل به هیجان آمده بودند که حشمت یادش رفت بیاد قفلی که برای حفظ جون من به در کیوسک نگهبانی زده رو باز کنه. فکر کنم تا چند ساعت دیگه این قفل جونم رو ازم بگیره. انگار نه انگار که دو ساعت پیش قرار بود سر شبنم رو از تنش جدا کنن. چقدر اینا آدمای احمقی تشریف دارن. چی شد که جو یهو عوض شد؟ حضور انورتون عارضم که پرینتر مفت که زیر دست آدم باشه، ازش هر استفاده‌ای هم می‌کنه. یکی از استفاده‌هاش تکثیر صفحه سایت فیفاست. گویا عملیات هک کردن سایت فیفا جواب داده و اسم تیم محله وارد لیست ۳۳تیمه فیفا شده. دقت بفرمایید، ۳۳. شنیده بودم که وقتی جون آدم در خطره یا شرایط حاد میشه قدرت ابتکار بالا میره، ولی نه در این حد. درست مثل این می‌مونه که از بی‌پولی اسکناس هفت هزار تومانی چاپ کنی. ولی خب اهل محل ما کم‌فهم‌تر و نابخردتر از این حرفان که بفهمن کلاهی که الیوم بر سرشون رفته قاعده‌اش از کل محله که هیچ از تمام این شهر بزرگ‌تره. نمی‌دونم، شایدم الان اگه یه سر به سایت فیفا بزنین تو گروه هشتم مسابقات شگفتی اصلی جام رو مشاهده کنین و تیم ما واقعاً اون‌جور که این سالار ادعا می‌کنه به عنوان تیم پنجم گروه هشتم، اسمش تو سایت فیفا اومده باشه. و این یعنی اینکه ما حتی زورمون از ایرلند با اون همه ادعا و امکانات و سابقه قرن‌ها جنگیدن برای احقاق حق و استقلال از بریتانیای کبیر بیشتره. چطور؟ این‌طور که وقتی اونا رسماً تو بازی هندبال به فرانسه باختن تا به جام جهانی فوتبال نیان، نتونستن چنین اقتداری از خودشون نشون بدن و یه کاری کنن که فیفا کاری در حقشون بکنه. اینه که الان سالار رو دوش عموجان ما عربده می‌زنه و بقیه اهل محل که معلوم نیست قمه‌ها رو کجا غلاف کردن و اون وووزلاهای یه رنگ رو از کجا آوردن، دنبالشون راه افتادن و دارن تو محله دور افتخار می‌زنن. فکر کنم اگه یکی اینها رو به خودشون نیاره همین‌جوری شیپورزنان و هلهله‌کشان، با پای پیاده و احتمالاً بعضی جاها شناکنان برن ژوهانسبورگ. همچی که جمع جوگیر محل از منطقه دور شدن، آرامشی در محل برپا شد که نگو. چنان سکوتی بود همه جا که من چشام سنگین شد و چرتم گرفت. تنها صدایی که یه کم تو مخ بود، صدای عصای عذرا بدرقه بود که مثل همیشه از جو عقب مونده بود و با اون سرعت بی‌مثال که بیشتر شبیه طی طریقه تا راه رفتن آدمیزاد، لنگان و غرغرکنان تلاش می‌کرد تا از گرد و غبار به‌جا مونده از کاروان شادی محل، مسیرشون رو تشخیص بده. امیدوارم حشمت زودتر از بقیه اهل محل به خودش بیاد و یاد بساط عملش بیفته بلکه من از این دخمه گرم و خفه نجات پیدا کنم و برم به زندگیم برسم. دیشب که به لطف دولول خراب تخت خوابم رو به صدرا هکر و سالار جان و دی جی شاهین باختم و تا صبح تو انباری قاطی سوسک‌ها شب‌زنده‌داری کردم، حالا امیدوارم با اتمام عملیات مهم و حساس هک کردن سایت فیفا بتونم به اتاقم برگردم. یه فکری تو ذهنمه که برای انتقام از این سه تا احمق فردا برم پیش ابراهیم سنگ‌تراش هر جور شده بهش حالی کنم که این هکر بودن پسرش ربطی به ادامه راه خاندان سنگ‌تراش نداره. حالا که تفنگ خرابه و فشنگ نداره، دلیلی نداره که من خواب بمونم.

وقتی تیم دونگا برزیل شد

چشمک ستاره ششم به طلایی‌پوشان

مهدی زعیم‌زاده

برزیل با یک نمایش تقریباً «برزیلی» موفق شد به عنوان دومین تیم، پس از هلند راهی مرحله یک‌هشتم نهایی جام نوزدهم شود. قهرمان پنج دوره جام جهانی پس از نمایش انتقادآمیزش در بازی کره شمالی، یکشنبه‌شب به مراتب بهتر از بازی اولش ظاهر شد و هواداران سختگیرش را امیدوار کرد که یکی از مدعیان اصلی فتح جام است. دونگا در بازی با ساحل عاج تیمش را با همان ترکیب اصلی بازی اول راهی میدان کرد و در شرایطی که تصور می‌شد فیل‌ها (لقب تیم ساحل عاج) حریفی سرسخت برای سلسائو باشند، اما طلایی‌پوشان برزیل چندان به دردسر نیفتادند و با نتیجه سه بر یک حریف آفریقایی خود را شکست دادند. این نهمین پیروزی پیاپی برزیل در قاره آفریقا بود و هشتمین بردش در دیدارهای اخیر. ستاره‌های برزیل در این بازی در دقایقی آن نمایش گروهی و منظمی که همگان از آنها انتظار دارند را به اجرا درآوردند و دونگا ثابت کرد تیم او هم می‌تواند ارائه‌گر «ژوگو بونیتو» یا همان فوتبال زیبای برزیلی باشد.

اعتراض اریکسون به هندبال فابیانو

ستاره دیدار برزیل- ساحل عاج لوئیس فابیانو بود. مهاجم سویا موفق شد در این بازی پس از ۹ ماه برای برزیل گل بزند. این بازیکن که آمار خوبی از خود در تیم ملی به جا گذاشته و در ۴۰ بازی ۲۷ گل به ثمر رسانده در چند بازی گذشته کاملاً در گلزنی ناکام بود. گل نزدن در پنج بازی گذشته این خطر را برای او به وجود آورده بود که جای خود را در تیم ملی به نیلمار یا باپتیستا بدهد، اما در بازی با ساحل عاج فابیانو توانایی‌هایش را ثابت کرد؛ گل اول او روی یک ضربه مهارنشدنی به دست آمد و گل دوم هم گلی زیبا و تکنیکی بود. لوئیس فابیانو با چند «دریبل سرپا» مدافعان ساحل عاج را از پیش رو برداشت و دروازه حریف را باز کرد. البته تصاویر تلویزیونی نشان داد که شماره ۹ برزیل در این حرکت دو مرتبه از دست خود استفاده کرده است. بهترین بازیکن دیدار یکشنبه‌شب پس از بازی اعتراف کرد که از دستش استفاده کرده است: «هنگام پریدن، توپ به دست و سپس به شانه‌ام برخورد کرد اما فکر می‌کنم داور تصمیم درستی گرفت، زیرا اصلاً عمدی در کار نبود. این گل یکی از بهترین گل‌های دوران ورزشی‌ام است.» این در حالی است که اسون گوران اریکسون سرمربی ساحل عاج نظری متفاوت نسبت به فابیانو دارد. او معتقد است داور به دلیل «هندبال» فابیانو نباید این گل را می‌پذیرفت: «فکر کنم تصاویر کاملاً به اندازه کافی گویا و واضح باشد. فابیانو نه یک بار بلکه دو بار توپ را با دست کنترل کرد و داور ندید.» سرمربی پیشین انگلیس عنوان کرد این تصمیم اشتباه داور تاثیر زیادی بر بازی داشت چراکه آن موقع بازی یک برصفر بود و این امکان وجود داشت که هر اتفاقی بیفتد.

به هر ترتیب اشتباه استفان لانوی داور فرانسوی مسابقه موجب شد تماشاگران شاهد یک گل تماشایی از فابیانو باشند. کارلوس دونگا پس از بازی به تمجید از مهاجم تیمش پرداخت: «من و هم‌تیمی‌های فابیانو همیشه به او اعتماد داشتیم، البته او در پنج بازی گل نزده بود، اما در همان بازی‌ها هم بسیار مثبت ظاهر شده بود.» این دو گل موجب می‌شود مهاجم سویا پس از این، با اعتماد به نفس بیشتری به توپ ضربه بزند. او در این باره گفت: «بسیار سخت تلاش می‌کردم اما نمی‌توانستم گل بزنم. خوشحالم که سرانجام گل زدم.» برزیلی‌ها امیدوارند فابیانو بتواند آقای گل جام جهانی ۲۰۱۰ شود.

کاکا: کیتا تمارض کرد

بازی یکشنبه‌شب، دیدار پربرخوردی بود و بازی خشن بازیکنان ساحل عاج موجب شد به دفعات بین بازیکنان دو تیم درگیری به وجود بیاید. در نهایت کاکا قربانی این درگیری‌ها شد و کارت قرمز را جلوی چشم خود دید. این در حالی است که ستاره رئال مادرید در این بازی به مراتب بهتر از دیدار مقابل کره شمالی بازی کرد و سازنده گل‌های اول و سوم تیمش بود. با این وجود عصبانی شدن کاکا موجب شد او دو مرتبه در درگیری با بازیکنان حریف کارت زرد بگیرد و از بازی اخراج شود. تصاویر تلویزیونی نشان می‌داد در درگیری دوم «قادرکیتا» برخوردش با کاکا را بزرگنمایی کرده، در حالی که آرنج کاکا به شکم کیتا برخورد کرده بود او صورتش را گرفت و بر زمین افتاد تا داور را مجاب کند به کاکا کارت نشان دهد. کاکا پس از بازی عنوان کرد بازیکن حریف تمارض کرده و او مستحق اخراج نبوده: «تصاویر تلویزیونی گویای همه چیز هستند. من اصلاً قصد درگیری نداشتم. کیتا به طرف من آمد و خودش را به من کوبید. آرنج من به سینه او برخورد کرد اما او صورتش را گرفت و خودش را روی زمین انداخت. نباید اخراج می‌شدم. آنها در نیمه دوم بسیار خشن بازی می‌کردند و می‌خواستند بازی را به جنجال بکشانند. با این وجود فکر می‌کنم اخراج من به ضرر خودشان تمام می‌شود زیرا ما در دیدار آخر به مصاف پرتغال خواهیم رفت و در صورتی که نتوانیم مقابل آنها نتیجه بگیریم، این ساحل عاج است که باید با جام جهانی خداحافظی کند.» دونگا هم شدیداً عملکرد داور فرانسوی را زیر سوال برد: «اگر من جای داور بودم، همین امروز دست از قضاوت می‌کشیدم. ما سه گل زدیم و بازی خوبی را ارائه کردیم و بدون آنکه خطای خشنی انجام دهیم، حتی بیشتر از بازیکنان حریف کارت گرفتیم. دیگر چه کار باید می‌کردیم؟ اخراج کاکا هم که کاملاً ناعادلانه بود.» البته دونگا در شمارش کارت‌های بازی اشتباه کرده؛ بازیکنان ساحل عاج سه اخطار گرفتند و از جمع برزیلی‌ها تنها کاکا دو مرتبه کارت زرد جلوی چشمان خود دید. سرمربی برزیل همچنین از بازی خشن تیم حریف انتقاد و تاکید کرد: خطاهای بازیکنان ساحل عاج به شاگردان دونگا اجازه نمی‌داد به نمایش زیبای خود ادامه دهند. در آن سو اریکسون کارت زرد دوم و اخراج کاکا را کاملاً عادلانه دانست. با این حال این درگیری‌ها مانع از این نشد تا این مربی سوئدی حریف خود را ستایش نکند: «فکر می‌کنم برزیل می‌تواند تا فینال رقابت‌ها پیش برود. آنها به خوبی دفاع می‌کنند و حمله فوق‌العاده‌ای نیز دارند. کسب نتیجه پیروزی مقابل آنها بسیار دشوار است. برزیلی‌ها بسیار منسجم هستند و به ویژه در خط دفاعی فوق‌العاده ظاهر می‌شوند.»

کیتا مثل ریوالدو

برزیلی‌ها نباید خیلی هم از بابت اخراج کاکا گلایه‌مند باشند حتی اگر تمارض کیتا کاملاً واضح باشد. در جام جهانی ۲۰۰۲ ریوالدو حرکتی مشابه با رفتار کیتا انجام داد. او با تمارض در دقیقه ۸۶ بازی با ترکیه زمینه اخراج آلپای اوزالان را فراهم کرد. اوزالان توپ را به پای ریوالدو کوبید و ستاره برزیلی‌ها صورتش را گرفت و به زمین افتاد. یک دقیقه بعد ریوالدو از روی نقطه پنالتی دروازه ترکیه ۱۰نفره را باز کرد و شاگردان اسکولاری آن بازی را بردند. به هر ترتیب برزیل مجبور است بدون کاکا درآخرین بازی خود به مصاف پرتغال برود. اگر سلسائو بدون این بازیکن خوب بازی نکند بازهم همه از دونگا انتقاد می‌کنند که چرا رونالدینیو را به همراه خود به آفریقای جنوبی نیاورده است. البته خبر خوش برای دونگا این است که مصدومیت الانو چندان جدی نیست و او به بازی با پرتغال می‌رسد. الانو که زننده گل سوم تیمش بود به علت تکل خشن بازیکن ساحل عاج بازی را ترک کرد.

فرصت‌طلبی جان تری برای در دست گرفتن قدرت در «سه‌شیر»

کودتا علیه کاپلو

مینا شرفی

زمانی که جان تری روز یکشنبه وارد مرکز رسانه‌ای اردوی تمرین انگلیس شد، کنفرانس مطبوعاتی‌اش را با دفاع از کاپلو که به دلیل نتایج ضعیف انگلیس تحت فشار است، شروع کرد. او اما بعد از گذشت یک ساعت فاش کرد با مربی ایتالیایی و کادر مربیگری انگلیس پس از تساوی مقابل الجزایر جر و بحث مفصلی کرده است. حرف‌های تری در کنفرانس مطبوعاتی نه‌تنها خبرنگاران را متعجب کرد بلکه بازیکنان انگلیس را هم که در آن زمان در هتل‌شان مشغول استراحت بودند، در بهت فرو برد.

بازیکنان انگلیس از اینکه تری جزییات خصوصی‌شان را برملا کرده، شگفت‌زده شده‌اند. جان تری هیچ وقت محبوبیت بالایی در میان بازیکنان انگلیس نداشته و آنها از اینکه می‌بینند این مدافع خودش را در این شرایط بحرانی تنها منجی «سه‌شیر» حتی بالاتر از کاپلو می‌داند، عصبانی شده‌اند. این در حالی است که بازیکنان انگلیس، جان تری را مسبب بسیاری از مشکلات تیم‌شان می‌دانند.

از یکشنبه‌شب کاپیتان سابق تیم ملی انگلیس خودش را به دلیل کودتایی که علیه مربی انجام داده تک و تنها می‌بیند. پس از کنفرانس مطبوعاتی دور از انتظار تری، مسوولان تیم ملی انگلیس به این مدافع که از چهار ماه قبل بازوبند کاپیتانی «سه‌شیر» را از دست داد، اعلام کردند دیگر حق ندارد درباره مسائل تیم ملی با کسی مصاحبه کند.

در آستانه دیدار چهارشنبه با اسلوونی اتفاقات روز یکشنبه در اردوی انگلیس بسیار حیاتی بوده و اتحادیه فوتبال انگلیس باید فکری درباره این مساله بکند. پس از رسوایی مربوط به جان تری و نامزد وین بریج، فابیو کاپلو اعلام کرد به خاطر خود جان تری بازوبند کاپیتانی را از او می‌گیرد. تری که هنوز هم داشتن رابطه نامشروع با نامزد وین بریج را انکار می‌کند مطمئناً نمی‌تواند نماینده مناسبی برای ملی‌پوشان انگلیسی باشد. تری در شرایط متزلزلش در تیم ملی در بدترین شرایط ممکن تصمیم گرفت به مربی‌اش ضربه بزند. تری در کنفرانس مطبوعاتی‌اش در روز یکشنبه صحبت‌هایش را این‌گونه آغاز کرد: «من به خاطر تیم در اینجا حضور دارم. هیچ‌کس حق ندارد شایستگی‌های مربی ما را زیر سوال ببرد. تمام آن چیزی که می‌توانم بگویم این است که همه ما پشت کاپلو هستیم. از زمانی که کاپلو هدایت تیم را بر عهده گرفته است، شیوه‌ها و فلسفه‌های خودش را در تیم پیاده کرده که همه آنها برای ما مفید بوده است. هیچ‌چیز در تیم ملی انگلیس تغییر نکرده. ما نباید به دنبال انتقادهای بی‌مورد از کاپلو باشیم.» او در مورد تساوی انگلیس در برابر الجزایر گفت: «عملکرد ما در برابر الجزایر کاملاً غیرقابل قبول بود.» او سپس مثالی از جام جهانی ۱۹۹۰ آورد. در آن جام انگلیس در دو بازی اولش مقابل جمهوری ایرلند و هلند به تساوی دست یافت اما در کل تورنمنت موفقی را پشت سر گذاشت. او در ادامه حرف‌هایش افزود: «ما اگر در دیدار مقابل اسلوونی شکست بخوریم خودم اولین کسی خواهم بود که مسوولیت این شکست را قبول خواهم کرد. ما در دیدار مقابل اسلوونی باید هر آنچه در توان داریم را به کار ببندیم. این دیدار برای ما بازی مرگ و زندگی است. من پنج هفته است که از خانواده‌ام دور هستم. ما برای قهرمان شدن به آفریقای جنوبی آمده‌ایم و من واقعاً نمی‌خواهم روز چهارشنبه به انگلیس بازگردم. من برای قهرمان شدن اینجا هستم.» تا به اینجا حرف‌های کاپیتان سه‌شیر کاملاً خوب و منطقی بود اما لحن او کم‌کم تغییر کرد و شکل دیگری به خود گرفت. او کم‌کم قدرت کاپلو در رختکن را زیر سوال برد و خودش را نفر اول در رختکن انگلیس مطرح کرد. زمانی که از تری پرسیدند آیا بازیکنان در مورد تاکتیک تیم می‌توانند با کاپلو بحث و تبادل نظر کنند، او گفت: «ما در گذشته این کار را انجام داده‌ایم و اگر در آینده هم نیاز به انجام چنین کاری داشته باشیم آن را انجام خواهیم داد. ما امشب جلسه‌ای خواهیم داشت و در آن مشکلات تیم در بازی الجزایر را بررسی خواهیم کرد. بازیکنان انگلیس خودشان را مدیون تک‌تک مردم انگلیس می‌دانند. بنابراین ما اگر مشکلی در تیم ببینیم نباید آن را انکار کنیم. اگر ما با مربی بحث کنیم و او از حرف حق ما ناراحت شود مطمئناً ما جلوی او سینه سپر خواهیم کرد. این همان کاری است که ما انجام خواهیم داد.» این اولین برش از مخالفت تری با رژیم کاپلو بود. زمانی که از تری پرسیدند آیا هنوز خودش را رهبر تیم می‌داند، گفت: «۱۰۰ درصد. هیچ‌کس نمی‌تواند حس رهبری تیم را از من بگیرد. من برای رهبری کردن به دنیا آمده‌ام. هرکس باید این حق را داشته باشد که حرفش را بگوید. اگر کاپلو و سایر بازیکنان هم ناراحت شوند بالاخره باید با حقیقت روبه‌رو شوند.» او سپس اعلام کرده به همراه تعدادی از بازیکنان دیگر از فرانکو بالدینی مدیر فنی تیم درخواست کرده به بازیکنان اجازه دهد پس از تساوی مقابل الجزایر مشروبات الکلی مصرف کنند. به‌رغم مخالفت کاپلو این کار توسط بازیکنان انگلیس صورت گرفت. او با جزییات کامل از مسائلی پرده برداشت که نشان می‌دهد قدرت کاپلو در رختکن روز به روز کمتر می‌شود. در ماه فوریه زمانی که بازوبند کاپیتانی از تری گرفته شد تمام قدرت به کاپلو رسید. اما پس از چهار ماه تری می‌خواهد قدرت را از آن خودش کند. تری سپس بی‌ملاحظه‌تر از قبل به حرف‌هایش ادامه داد و گفت: «شما آن کاپلویی را ندیده‌اید که در رختکن فریاد می‌زند و وسایل را به این طرف و آن طرف پرتاب می‌کند.» تری شاید با این حرف‌هایش می‌خواست کاپلو را تضعیف کند اما این سخنان غیرمعقول جایگاه او را بیش از پیش در بین بازیکنان پایین آورد.

این اولین باری نیست که بازیکنان انگلیس به شیوه‌های مربی خود اعتراض می‌کنند؛ در زمان اسون گوران اریکسون در یورو ۲۰۰۴ پس از شکست مقابل فرانسه وی می‌خواست تغییراتی در خط میانی تیمش بدهد که این کار با اعتراض استیون جرارد، فرانک لمپارد و دیوید بکام مواجه شد و این مربی سوئدی هم از پیاده کردن ایده‌اش صرف نظر کرد. انگلیس با همان شیوه قبلی دو بازی بعدی‌اش را برد اما در دیدار مقابل پرتغال در ضربات پنالتی شکست خورد. باید این باردید که آیا کاپلو در جنگ رختکن سه‌شیر به پیروزی خواهد رسید یا دوباره بازیکنان حرف‌شان را به کرسی خواهند نشاند.